■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۴۰۲ ■ شنبه ■ ۴ مرداد ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۱۱ | اذان مغرب ۲۰/۳۵ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۲ | اذان صبح فردا ۴/۳۰ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۸

سخن روز

امام علی علیه السلام:
چه زشت است فروتنی هنگام نیاز و درشتی هنگام بی‌نیازی.
نهج البلاغه(صبحی صالح)، نامه ۳۱، ص ۴۰۴

کیهان خانجانی: نویسندگان عامه پسند پر ادعا شده‌اند

ما نمی‌توانیم بگوییم ادبیات عامه‌پسند بنویس یا ننویس، نمی‌توانیم بگوییم ادبیات عامه‌پسند چاپ بکن یا نکن. اما هر نویسنده و ناشری باید حد و حدود اثر خود را بداند. و نکته آخر اینکه چطور شده که در چند سال اخیر، در تمام هنرها از جمله ادبیات و سینما، همه به فکر لذت بدون انتقاد و خلاقیت افتاده‌اند؟! در ایران درباره ادبیات عامه‌پسند خلط مبحث شده است. زمانی کسانی که ادبیات عامه‌پسند می‌نوشتند، هیچ ادعایی نداشتند که ادبیات ما ادبیات خلاقه است اما حالا کتاب عامه‌پسند را ویراست می‌کنند، تبلیغاتی در صفحه مجازی دارند و مدعی جوایز ادبی هم هستند و می‌خواهند به ادبیات روشنفکری و انتقادی سمت و سو بدهند. این خلط مبحث خطرناک است.

بخشی از گفت‌وگوی نویسنده کتاب «بند محکومین» با ایسنا

فقط روزهای یکشنبه کلیسا اندکی شلوغ‌تر می‌شود ولی ظاهرا شما بیشتر از روی حجب و حیا می‌آیید تا از روی ایمان، بنا برعادت می‌آیید، نه از روی احتیاج، درست همانطور که عادت دارید لباس عوض کنید، یا بخوابید. بسیار خوب، اکنون زمان آن فرا رسیده که از خواب بیدار شوید.

وسوسه
گراتزیا دلددا
بهمن فرزانه

نـــگاره
پریسا نوراللهی

مطالعه برای آگاهی

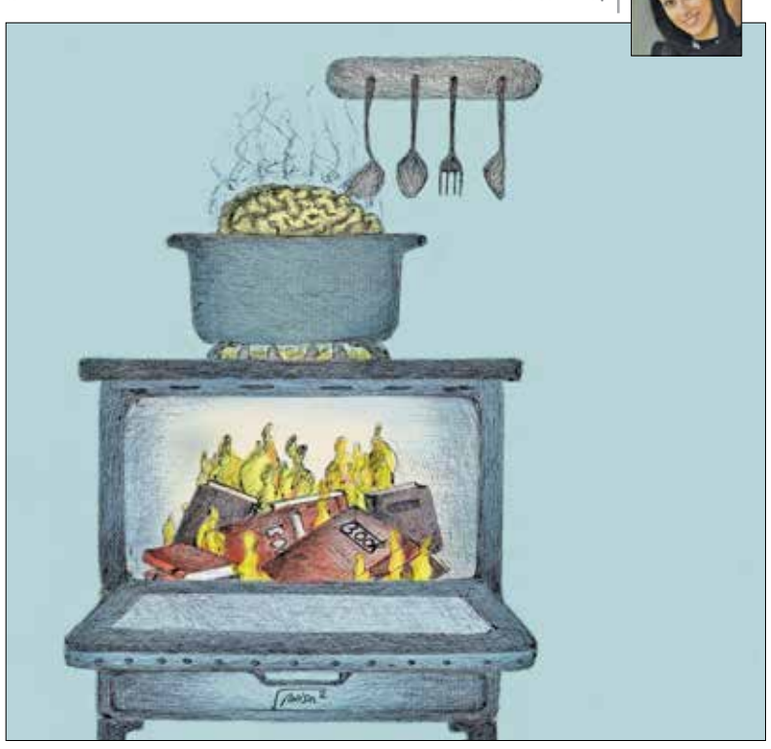

چگونه از موسیقی ایرانی حمایت کنیم؟!

یادداشت

امیر اثنی عشری
خواننده موسیقی ایرانی

موسیقی کلاسیک هر کشوری، به دلیل ماهیت فرهنگی آن که به تمرکز و اندیشیدن در محتوا نیاز دارد، مخاطبان کمتری را نسبت به سایر ژانرهای مردم پسند در برمی‌گیرد.

از این رو در کشورهای پیشرفته برای تداوم این نوع از موسیقی، شهرداری‌ها، سازمان‌های فرهنگی دولتی و خصوصی، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی ویژه پخش موسیقی و... فعالیت‌های متنوعی را سازماندهی کرده‌اند. اما در ایران نه تنها حمایتی به مانند آنچه گفته شد نیست، بلکه گزینه سنگ‌اندازی و پشیمان کردن هنرمندان از کار جدی هنری در جریان است.

اما هر یک از ما چگونه می‌توانیم از موسیقی ایرانی حمایت کنیم؟!

۱. نسخه اصلی یک اثر موسیقایی را تهیه کنید.

صنعت نشر موسیقی ایرانی سال‌هاست که در احتضار به سر می‌برد. بسیاری از شرکت‌های ضبط و پخش موسیقی عملاً کاری منتشر نمی‌کنند. اگر هم اندک رمقی مانده، به سعی اهالی موسیقی است. با خرید نسخه‌های فیزیکی و یا دیجیتالی موسیقی می‌توان به زنده ماندن فرآیند تولید یک اثر موسیقایی کمک کرد. همچنین می‌توان با خرید چند سی‌دی از یک اثر هنری، این فرهنگ را جا انداخت که در مناسبت‌های مختلف آنها را به عزیزان‌مان هدیه دهیم.

۲. به کنسرت گروه‌های موسیقی ایرانی بروید.

اگر شرایط برگزاری کنسرت فراهم بود یعنی دوران کرونایی تمام شده، ماه‌های رمضان و عزاداری نبود، می‌توانید با خرید بلیت یک کنسرتِ موسیقی ایرانی، هنرمندان را به ساختِ آثار موسیقایی ترغیب کنید. در اغلب موارد حتی هزینه اجاره سالن یک کنسرت موسیقی ایرانی با فروش بلیت نیز درنمی‌آید. همین سالن در کشورهای دیگر به رایگان و یا با هزینه اندک در اختیار اهالی موسیقی قرار می‌گیرد.

۳. در رسانه‌های اجتماعیِ فراگیر از هنرمندان موسیقی ایرانی حمایت کنید.

به دلیل فیلتر بودن عمده رسانه‌های اجتماعی در ایران، از جمله فیس‌بوک، تلگرام، وایبر، یوتیوب و... اغلب هنرمندان موسیقی ایرانی در اینستاگرام صفحه‌ای دارند و آثاری را که با صرف هزینه و وقت تولید کرده‌اند، به رایگان با شما به اشتراک می‌گذارند. آنچه که شاید در ظاهر بی‌اهمیت جلوه کند اما در واقع هنرمندان را به ادامه مسیر امیدوار می‌کند شامل مواردی چون به اشتراک گذاری آثار، پسندیدن (لایک کردن)، نظر دادن (حتی یک نشان ساده چون گل)، بازارسال مطلب‌شان برای دیگران و... است. بدانیم که هنرمند با دیده شدن آثارش جان تازه‌ای می‌گیرد و از توجه مخاطبان دلگرم می‌شود.

۴. شناخت خود را از موسیقی ایرانی ارتقا دهید.

آواز خواندن و یا نواختن یک ساز را حتی در حد ابتدایی بیاموزید تا در حفظ موسیقی ایرانی و انتقال آن به آیندگان نقش داشته باشید.

ترس، تپه‌های تدفین و آیین کرونا

یکی از هزار تا

پیام فروتن
طراح و استادیار دانشگاه تهران

شاید یکی از بزرگ‌ترین ترس‌های بشر از ابتدای پیدایش، مرگ بوده است. پرسش سختی که پاسخ به آن تقریباً غیرممکن بوده است. بشر اولیه برای زندگی پس از مرگ، جواب‌هایی دست و پا کرد و شاید این موضوع بزرگ‌ترین اختراع انسان ابتدایی بوده است. بی‌تردید عظیم‌ترین اختراعات بشر آنها هستند که «ترس» را از بین برده یا آن را تقلیل می‌دهند. اما در فاصله این هجرت چه روی می‌دهد؟ او چگونه در جهان دیگر خواهد زیست و بازماندگان چگونه با فقدان متوفی کنار می‌آیند؟ به عبارت دیگر جایگاه مردگان کجاست؟

بازهم انسان بدوی، راه حلی برای این مشکل پیدا کرد. تپه‌های تدفین و بعدتر مقابر و اهرام، پاسخی برای زندگی پس از مرگ بودند. تپه‌هایی متعلق به اواخر عصر یخبندان که متوفی را در آن قرار می‌دادند و این مقبره را با انواع و اقسام وسایل زندگی روزمره پر می‌کردند. در این میان، مراسم آیینی تدفین از جایگاه عمده‌ای برخوردار بود. از اینجا به بعد است که مراسم ترحیم شکل می‌گیرد و بازماندگان، عزیز خود را به سوی زندگی جدید مشایعت و بدرقه می‌کنند. اندکی بعد سنت عزاداری و سوگ نیز شکل می‌گیرد تا تسلایی باشد بر قلب جریحه دار شده بازماندگان. بدین ترتیب آیین‌های مربوط به عزا، تسلیت، همدردی و... از بطن اساطیر و بعدتر مذاهب به‌وجود می‌آید. چارچوب‌ها و قواعد ایجاد می‌شوند و نظام رمزگان این گونه سنت‌های باستانی ترتیب می‌یابند.

در سال ۲۰۲۰ به سر می‌بریم. سالی که از نظر وسعت و فراگیری مصیبت، در طول تاریخ بشریت بی‌سابقه بوده است. عزیزانمان یکی یکی ما را ترک می‌کنند؛ بی‌سنت و آیین تدفین و عزا و تسلی. تپه‌ها و مقابر باشکوه تدفین، جای خود را به‌گورهایی داده‌اند که از فرط تنهایی و عزلت، کمتر نشانی در تاریخ داشته‌اند. بازماندگان از برگزاری آیین‌های ترحیم بازمانده‌اند و تسلایی نمی‌یابند. حتی دیگر شانه‌ای نزدیک نمی‌شود تا سر بر آن گذاشته و اندکی از غم فراق را تقسیم کرد. حتی دیگر نمی‌توان مردگان را با گل اخرا رنگ آمیزی کرد تا در جهان دیگر سرخ و سلامت حاضر شوند.

بدین ترتیب به‌نظر می‌رسد، کرونا و عدد ۲۰۲۰ منحوس، تاریخ تشییع، ترحیم و تدفین را نیز تغییر دهد و سنت‌ها وآداب جدیدی را به‌وجود آورد. اگر زمانی منهول‌ها (سنگ‌های تدفین) که بر گورها می‌گذاشتند تا روح مرده در آن آرام گیرد و به حیات خود ادامه دهد، اختراعی ناب به شمار می‌رفت و به‌عنوان نمادی از حیات متوفی باعث تسکین بازماندگان می‌شد امروز، سنگ قبرها با اشعار، تصاویر، طلوع دل انگیز و غروب غم انگیز خود آرام آرام جای خود را به برهوت بی‌نشانی می‌دهند که بیش از هر زمان دیگر مرگ را یادآور می‌شود. بیش از هر زمان دیگر در طول تاریخ چند ده هزار ساله بشر. ۲۰۲۰ تنها یک عدد نیست. یک نقطه پایان بر تاریخ بشر و سرخطی تازه در راستای امتداد آن است.

انعکاسی از زندگی امروز در «او شب‌ها می‌آید»

چی بخوانیم

روزنامه‌نگاری از آن دست مشاغلی ست که اگر همزمان با آن سراغ نویسندگی هم بروید حسابی دستتان را در انتخاب سوژه بازمی گذارد. هر چند که حضور این تجربه گاهی وقت‌ها آن‌قدر مستقیم نیست که مخاطب بتواند به‌راحتی ارتباطی میان آثار داستانی نویسنده و حرفه روزنامه نگاری اش پیدا کند، برخلاف مجموعه داستان‌هایی که تا به امروز از نویسندگانی همچون «مهدی افروزمنش» منتشرشده‌اند و کافی است کمی میان نوشته‌های او جست‌وجو کنید و قدری هم با این شغل آشنا باشید تا حدس بزنید که حوزه کاری‌اش سرویس اجتماعی نشریات بوده و... اتفاقی که مشابه آن را نمی‌توانید در مجموعه داستانی «او شب‌ها می‌آید» نوشته «پاکسیما مجوزی» ببینید.

مجوزی، هم تجربه روزنامه‌نگاری دارد و هم فارغ‌التحصیل مقطع دکترای جامعه‌شناسی ادبیات است. افزون بر این، نزدیک هفت سالی هم در هندوستان زندگی کرده که از همان داستان ابتدای کتاب که شخصیت اصلی برای فرار از جنگ و بیم جانش به هندوستان مهاجرت می‌کند ردپای پررنگی از آن را می‌بینید. این مجموعه دربردارنده ۹ داستان کوتاه است که هرکدام برخوردار از موضوعی مستقل هستند، بااین‌حال چیزی که در همه آنها خودنمایی می‌کند، ردپای پررنگی از مسائل و مشکلات زندگی امروز است، از بحث مهاجرت و مصائب پیش روی مهاجران گرفته تا تنهایی و حتی مرگ. داستان‌هایی درباره انسان‌هایی که در زمان گم می‌شوند، برخی در جست‌وجوی گذشته و عده‌ای هم برای فراموشی همه آن روزگاری که پشت سر گذاشته‌اند. «روز پدر»، «فراموشی»، «راه آخر»، «مرد و حافظ»، «دوربین دیجیتال»، «زن طبقه بالا»، «مردی که من بودم»، «بازگشت» و «او شب‌ها» می‌آید عنوان داستان‌های این مجموعه هستند. البته این نخستین کتاب مجوزی نیست، پیش‌تر مجموعه داستان‌های «طرح وهم»، «آسمان می‌شوم» از او منتشرشده، افزون بر این «روی دیگر سکه هدایت» هم عنوان کتاب دیگر مجوزی است که در آن به تحلیل و بررسی عشق در داستان‌های کوتاه صادق هدایت پرداخته است. اما اگر خواهان سفر به کشور پررمزوراز هندوستان هستید و در شرایط فعلی اقتصادی امکان آن برایتان فراهم نیست مطالعه «هفت سال در هند؛ تجربیات زندگی در سرزمین هفتادودوملت»، دیگر نوشته این استاد دانشگاه خالی از لطف نیست. این کتاب‌ها با همراهی «نشر هزاره سوم» منتشرشده‌اند.

#هواپیمای_ماهان

هشتگ

تهدید هواپیمای مسافربری ایران توسط دو جنگنده امریکایی مهم‌ترین موضوع بحث دیروز شبکه‌های اجتماعی بود. از همان زمان که خبر اعلام شد فیلم و عکس‌ها و اظهار نظر مقامات رسمی به سرعت در شبکه‌های اجتماعی بازنشر می‌شد و درباره‌اش می‌نوشتند. عکس‌هایی که از کودکان آسیب دیده در هواپیما منتشر شد، خیلی‌ها را ناراحت کرد: «اینکه در عمل بهترین واکنش به این ماجراجویی‌های خبیثانه، آیا صبر استراتژیک است یا تودهنی؟ و اینکه تا اکتبر باید صبور بود یا نه؟ دقیق نمی‌دونم. اما یه چیزی برام واضحه: مقابله جدی و پاسخ محکم حداقل در فضای رسانه‌ای باید به یک مطالبه عمومی قوی تبدیل شود.»، «ولی تو ماجرای هواپیمای ماهان واکنش فوری ارتش اسرائیل جالب بود! اینکه اینقدر سریع بگی «ما نبودیم» معنیش می‌شه اصلاً ما غلط بکنیم»، «درست مثل ۳۰ سال پیش؛ وقتی می‌بینند حریف نیروهای مسلح ایران در نبرد مستقیم نمی‌شوند عقده‌شان را بر سر هواپیمای سیویل و بی دفاع خالی می‌کنند!»، «تعرض به سامانه و خطوط هوایی (بخصوص سامانه مسافربری) هر کشور توسط کشوری دیگر، نماد بارز تهدید کل آن کشور است»، «حمله به هواپیمای مسافربری یعنی تروریسم!»، «احتمالاً موضعگیری درخصوص اقدام نامشروع و غیر انسانی هواپیماهای امریکا در قبال هواپیمای ماهان هم مشمول قطع جیره و مواجب وزارت خارجه امریکاست که کاسبان حقوق بشر تا همین حد، اجازه محکوم کردن ظاهری هم پیدا نکرده‌اند»، «آقا این هواپیمای مسافربری ما چطور رد بشن که نزدیک پایگاه‌های امریکا نباشند؟!»، «ارتش امریکا مدعیه هواپیما بلند کرده بودند برای «تضمین امنیت پرسنل ائتلاف در پایگاه تنف.» پایگاهی رو می‌گه که با اشغال خاک سوریه به بهانه جلوگیری از «کریدور تهران- مدیترانه» علم کردن و تنها خروجی اش تنش‌زایی با سوریه و ایرانه و بالا بردن احتمال درگیری.»، «روابط عمومی هواپیمایی ماهان: «روز آینده در این باره بیانیه رسمی خواهیم داد.»، «فیلم هواپیما رو هم که دیدم، قلب شدید می‌زنه. وای به اونی که داخلش نشسته.»

شهروند مجازی
یگانه خدامی

محاسبه فاصله گل استقلال

ماجرا

بازی تیم‌های استقلال و نساجی مازندران حسابی توجه کاربران را به خود جلب کرد. گلی که تیم نساجی به استقلال از وسط زمین زد مهم‌ترین دلیل این توجه بود و باعث شد بحث و البته بیشتر شوخی درباره‌اش دیروز هم ادامه داشته باشد. استقلالی‌ها هم با یادآوری گل‌های مشابهی که تیم پرسپولیس خورده این شوخی‌ها را جبران می‌کردند: «استقلال از فلکه اول تهرانپارس گل خورد»، «استقلال دیگه با رعایت فاصله اجتماعی گل می‌خوره»، «استقلال یه گل خورد که زننده گل دو تا کوچه اونورتر استادیوم شوت روز زد. توپ یه ربع تو هوا بود تا رفت»، «استقلال از جایی گل خورد که دو تا خونه ۲۵ متری توش جا می‌شه!»، «استقلال از نقطه صفر مرزی گل خورد»، «استقلال از فاصله دورتر از اینم گل می‌خورد چیزی از ارزش هاش کم نمی‌شد، چون اونا برای سلامتی‌شون ورزش می‌کنن.»، «نساجی اعلام کرده بازی بعد با استقلال رو دیگه تهران نمی‌آن از همون مازندران شوت می‌زنن گل می‌شه»، «کسی با گل استقلال مزه بریزه که تو سابقه تیمی شون دوجین گل از وسط زمین نخورده باشه»، «از اینجا که استقلال گل خورد بخوای تاکسی بگیری بری تا دم دروازه ۲مسیر حساب می‌شه»، «این گلی که امشب استقلال خورد توی پلی استیشن قفله هنوز»، «استقلال از فاصله‌ای گل خورد که در روزگاران قدیم برای اتراق کاروان‌ها توش حداقل دو منزل کاروانسرا می‌ساختن»، «میگن اون نقطه‌ای که استقلال ازش گل خورد آخر ماه رمضونا یه روز زودتر از بقیه جاهای ایران ماه رو می‌بینن و عید فطر می‌گیرن! همین قدر دور دست.»

درباره هنر ترانس مدرن

دکتر حمیدرضا اردلان: بر اساس نظریه هنر ترانس لزومی به حضور تماشاگران انسانی در اجراهای هنری وجود ندارد. او خود سال هاست اجراهای بسیاری برای عروسک ها، اشیاء و طبیعت داشته است.

برنامه «کیو آر اسکنر» را می توانید از اپلیکیشن های مختلف دانلود کنید.

به نام تاریخ

■ **۴ مرداد**

۱۲۸ روز از سال گذشته است. سالی که سخت گذشته ولی به امید پایان این روزهای سخت آن را می‌گذرانیم. با کمی گشت وگذار در دنیای هنر و فرهنگ این روزها را از یاد ببریم.

■ **تولدها**

بلیک ادواردز: کارگردان سری فیلم‌های «پلنگ صورتی» سال ۱۹۲۲ در چنین روزی به دنیا آمد. بلیک ادواردز نوه جی گوردون ادواردز کارگردان سینمای صامت بود و همین باعث شد او در دهه ۴۰ و ۵۰ میلادی وارد سینما شود. ابتدا به‌عنوان فیلمنامه نویس و بعد به‌عنوان کارگردان. در اواسط دهه ۵۰ اولین فیلمش را به‌نام «همراهش لبخند بزن» کارگردانی کرد. «آقای کوری» فیلم بعدی او بود که بسیار هم مورد توجه قرار گرفت و پس از آن با فیلم «از نفس افتاده» به شهرت رسید. دهه ۶۰ میلادی دوران اوج او بود و فیلم «صبحانه در تیفانی» با بازی آدری هپبورن او را به اوج رساند. پس‌از آن ادواردز ژانر کمدی را جدی‌تر دنبال کرد و سال ۱۹۶۴ فیلم‌های پرطرفدار «پلنگ صورتی» و «تیری در تاریکی» را ساخت. فیلم‌هایی که او را به‌عنوان «استاد مدرن کمدی» مطرح کرد. در دهه ۷۰ اما ادواردز با کمپانی‌های هالیوودی مشکل پیدا کرد چون می‌خواست از دخالت مدیران این کمپانی‌ها در روند فیلمسازی جلوگیری کند. تلاشش باعث شد حق کنترل هنری آثار سینمایی برای خالق اثر، کارگردان و فیلمنامه نویس حفظ شود اما دوری از هالیوود را هم برایش همراه داشت. «آواره‌های وحشی»، «ده»، «ویکتور ویکتوریا»، «این زندگیست» و «سوپیچ» فیلم‌های بعدی ادواردز بودند که دیگر موفقیت او را تکرار نکردند اما او سال ۲۰۰۴ جایزه اسکار را برای یک عمر فعالیت هنری دریافت کرد و سال ۲۰۱۰ درگذشت.

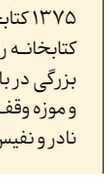

سیروان خسروی: خواننده و آهنگساز مشهور موسیقی پاپ امروز ۳۸ ساله می‌شود. سیروان خسروی از کودکی نواختن ساز کیبورد را آغاز کرد و از ۱۶ سالگی شاگرد کاوه یغمایی بود و در حضور او با سبک راک آشنا شد. در سال‌های ۷۹ و ۸۰ نوازنده کیبورد گروه کاوه یغمایی بود و پس از آن در آلبوم بسیاری از خوانندگان به‌عنوان صدابردار، ناظر ضبط، تنظیم‌کننده و آهنگساز حضور داشت. از سال ۸۰ برای گرفتن مجوز آلبوم خودش تلاش کرد و بالاخره در سال ۸۴ توانست اولین آلبومش را به‌نام «تو خیال کردی بری» منتشر کند. سیروان خسروی و سبکش در موسیقی پاپ ایران تحولی ایجاد کرد و طرفداران زیادی هم دارد. خسروی تاکنون آلبوم‌های «ساعت ۹»، «جاده رؤیاها» و «آنپلاگد» را منتشر کرده و آهنگساز بسیاری از خوانندگان مانند احسان خواجه امیری، بهنام صفوی و مهدی یراحی بوده است.

جیسون روباردز بازیگر امریکایی، **زیبا جواهریان** همدانی شاعر، **آزاده صالحی** داستان نویس، **پویا صداقت** شاعر، **ابوذر قاسمیان** داستان نویس، **مجید کوهکن** شاعر، **محمدسعید مهدوی** شاعر، **منوچهر نیستانی** شاعر و **کیم سونگ سو** بازیگر کره جنوبی هم متولد امروز هستند.

■ **درگذشت**

حسین ملک: مؤسس موزه و کتابخانه ملک سال ۱۳۵۱ در چنین روزی درگذشت. او سال ۱۲۸۸ به دنیا آمد و خانواده‌اش از ثروتمندان اهل تهران بودند اما خودش مدتی در مشهد ساکن بود و موقوفات زیادی هم در این شهر دارد. پدر حسین ملک پس از حضور در جنگ‌های ایران و روس به تجارت روی آورد. او یکی از دوستان میرزا تقی خان امیرنظام بود که بعدها امیرکبیر شد و زمانی که امیرکبیر می‌خواست ناصرالدین شاه را پس از مرگ پدرش به تهران بیاورد از او ۱۰۰ هزار تومان قرض گرفت و همین باعث شد پس از به تخت نشستن ناصرالدین شاه لقب ملک التجار بگیرد. این لقب از پدربزرگ به نوه یعنی حسین ملک رسید که بسیار به کتاب علاقه داشت و کتابخانه‌ای معروف در بازار بین الحرمین تهران ساخته بود. کتاب‌های چاپی و خطی این کتابخانه شهرت داشتند و تا سال ۱۳۷۵ کتابخانه ملک در همین خانه بود اما او می‌خواست این کتابخانه را گسترش دهد به‌همین دلیل قبل از مرگش زمین بزرگی در باغ ملی تهران خرید و آن را برای ساختمان کتابخانه و موزه وقف کرد که اکنون با داشتن ۱۹ هزارعنوان نسخه خطی نادر و نفیس یکی از ۶ گنجینه بزرگ نسخ خطی ایران است.

عکس نوشت

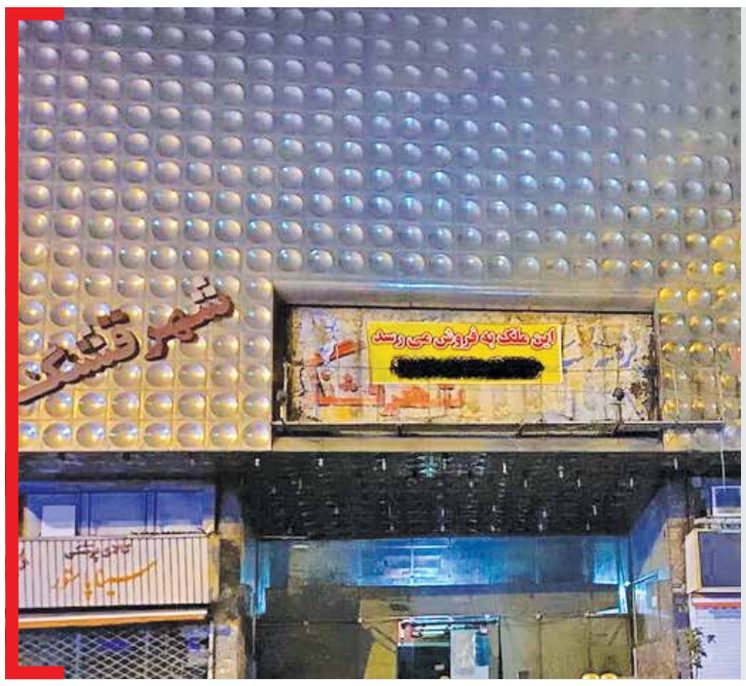

سینما «شهر قشنگ» تهران با ۷۰ سال قدمت به فروش گذاشته شده است. این سینما که در خیابان ولیعصر قرار دارد پس از اینکه شهرداری مجوز تغییر کاربری آن را صادر کرد از یک ماه پیش برای فروش گذاشته شد. شهر قشنگ سال ۱۳۳۲ توسط گروه سینماهای مولن روژ تأسیس شد و یکی از سینماهای درجه یک تهران بود اما ۱۲ سالی است که به‌طور کامل تعطیل شده است. سال ۱۳۵۴ رضا حجت این سینما را به قیمت ۷ میلیون تومان خرید و دختر او می‌گوید سینما فرسوده شده و به‌همین دلیل برای همیشه بسته شده است./ ایسنا